

بررسی عملیات انتقال اسناد اسرائیل به ایران

ضربه به گنج گاه تل آویو



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

اسناد راهبردی و طبقه‌بندی‌شده اسرائیل به ایران منتقل شد. این خبر اگر چه کوتاه بود، اما نشان می‌داد که اتفاق مهمی در جنگ اطلاعاتی میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل رخ داده است. کشورهایی که در فهرست اولویت‌های اطلاعاتی یکدیگر، جایگاه شماره یک را دارند و درگیری‌شان در حوزه‌های مختلف اطلاعات و امنیت بدون وقفه ادامه پیدا می‌کند، ۸ سال قبل، در ۱۱ بهمن ۱۳۹۶ اسرائیل ضربه‌ای مشابه‌همین عملیات‌را به جمهوری اسلامی وارد کرد؛ رویدادی که آن را با کلبدوازه شوروایاد به یاد می‌آوریم. حالا با گذشت این سال‌ها، عملیاتی از سوی تهران طراحی و اجرا شده که بر اساس اخبار محدود منتشرشده از آن ابعاد بزرگ‌تری از عملیات موساد در شوروایاد دارد. عملیاتی که هنوز ابعاد کیفی و کمی آن به طور کامل مشخص نیست. بر اساس اعلام **سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات، شورایعالی امنیت ملی و روابط عمومی وزارت اطلاعات**، مجموعه‌ای از اسناد راهبردی و طبقه‌بندی‌شده اسرائیل در حوزه‌های مختلف به دست ایران افتاده و اخیراً روند انتقال آن‌ها به داخل کشور به پایان رسیده است؛ عملیاتی که می‌توان آن را دومین شکست اطلاعاتی-امنیتی اسرائیل از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا امروز دانست.

❖ بیانیه‌واجا

بخش‌هایی از متن بیانیه رسمی وزارت اطلاعات که در تشریح کلیات این ضربه منتشر شد، از این قرار است:

۱ اسناد به‌دست‌آمده از منظر محتوا، ضمن تنوع موضوعی، دارای ارزش‌های راهبردی، کاربردی، تحقیقاتی و علمی است. اطلاعات متنوعی که بخشی از آن در حوزه‌های مرتبط با برنامه‌های غیرقانونی و پنهان تسلیحات هسته‌ای، من جمله تأسیسات، تحقیقات، ارتباطات با مؤسسات آمریکایی و اروپایی، شامل برنامه‌های هسته‌ای جاری و آتی رژیم صهیونیستی است. بخش‌های دیگر، در بردارنده‌ی اسناد مرتبط با برنامه‌های نظامی و



موشکی، اسناد فنی مربوط به پروژه‌هایی با کاربرد دوگانه‌ی علمی و فنی، اسامی، مشخصات، تصاویر و آدرس مجموعه‌ی مدیران و مقامات و دانشمندان درگیر در این پروژه‌ها را شامل می‌گردد. از نکات مهم کشف‌شده آنکه رژیم صهیونیستی علاوه بر اتباع آن رژیم، از محققینی با تابعیت کشورهای دیگر هم بهره می‌گیرد که مشخصات کامل آن‌ها نیز موجود می‌باشد. بدیهی است که بخش‌هایی از اسناد برای استحضار ملت سراسراز ایران منتشر خواهد شد و بخشی از دستاوردهای علمی و تحقیقاتی به‌دست افتاده، قابلیت بهره‌برداری در کشور عزیزمان دارند که به مؤسسات و دستگاه‌های ذیربط ارائه می‌شوند. حجم قابل توجهی از اسناد، مورد استفاده‌ی نیروهای مسلح مقتدر کشورمان می‌باشند و بخش‌هایی از آن قابل تبادل با کشورهای دوست یا ارائه به سازمان‌ها و گروه‌های ضدصهیونیستی خواهندبود.

۲ اسناد به‌وضوح بیانگر آن است که آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، چگونه در نقش پشتیبان، همکار و پیمان‌کار، در ارتقای برنامه‌های تسلیحاتی رژیم جنایت‌پیشه‌ی صهیونیستی نقش آفرینی کرده‌ومی‌کنند اما به دروغ و با استانداردهای دوگانه، جمهوری اسلامی ایران را به حرکت در مسیری غیرصلح‌آمیز متهم می‌نمایند. سال‌هاست رژیم منحوس صهیونیستی در سایه سکوت و حمایت باشگاه سلطه‌گران، با نوعی پنهان کاری مرزمو هسته‌ای، تا انتهای مسیری را که آن‌ها مدعی‌اند برای صلح و امنیت جهان مخاطره‌آلود است، پیموده، اما سلطه‌گران ظالم و مستکبر جهان، مزورانه‌بیشترین فشارها را بر کشورمان وارد می‌سازند در حالی که جمهوری اسلامی ایران صرفاً به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای افزایش سطح سلامت و رفاه شهروندان خود است و قاطعانه اعلام کرده در پی ساخت سلاح هسته‌ای نبوده است.

۳ از جالب‌ترین اسناد به دست آمده، گزارشات متعدد و دروغین رژیم جنایت‌کار صهیونیستی به برخی نهادهای بین‌المللی «علیه برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان» است و جالب‌تر از آن، انعکاس عین همان دروغ‌پرداز‌ی‌های مژورانه‌ی رژیم در گزارش‌ها و ادعاهای آن نهادهاست! شیوه‌های دسترسی سربازان گمنام امام‌زمان (عج) به اسناد رژیم و نیز شگردهای خارج کردن آن‌ها از سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به‌گونه‌ای طراحی و اجراشد که توره‌های متعدد امنیتی و دالان‌های تودرتوی حفاظتی رژیم بر ادعا را کاملاً خنثی کردند. اهتمام ویژه‌ی آن رژیم بر حراست از

اسنادی چنین راهبردی، باعث‌شده‌بود تا شدیدترین تدابیر برای حفاظت از آن‌ها اعمال شود. به‌همین نسبت، تلاش برای دستیابی به این اسناد نیز باید با طرحی کاملاًهوشمندانه و چندلایه انجام می‌شد. لذا پیچیدگی عملیات موردبحث فراتر از آن است که آن رژیم به ابعاد مختلف آن آگاهی باید یا بتواند با اقدامات نمایشی، بر ناتوانی امنیتی و اطلاعاتی خود سرپوش بگذارد؛ چنان‌که در ایام اخیر با بازداشت تعدادی از صهیونیست‌ها و در واقع قربانی ساختن آن‌ها، بازسازی تصویر آسیب‌دیده‌ی خود نزد افکار عمومی را دنبال کرده و البته تمربخش نبوده است. آنچه اکنون در اختیار وزارت اطلاعات است، در شرایطی حاصل شده که رژیم صهیونیستی می‌کوشد تصویری نفوذناپذیر از خودبه‌نمایش گذارد. آن‌ها درحالی که در س‌م‌موخته‌های شکست‌های اطلاعاتی پیشین را مرور می‌کردند و به گمان خود، مسیرهای نفوذ را سد کرده بودند، با عملیات سترگ «طوفان الاقصی» مجاهدین قهرمان فلسطینی رویبروشدندو اقتضاح اطلاعاتی-امنیتی‌بی‌نظیری را به‌نمایش گذاشتند. آنچه اکنون و در قالب عملیات وزارت اطلاعات صورت گرفته است، بی‌تردید نقطه‌ی عطف دیگری در کارنامه‌ی ننگین اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی و دستاورد تاریخی بی‌پدیلی برای محور مقاومت است که بار دیگر افسانه‌نفوذناپذیری این رژیم را به‌سخره کشید.

❖ پیچیدگی طراحی و اجرا

عملیاتی در این سطح، نیازمند یک طراحی گسترده، پیچیده و چندلایه است. می‌توانیم این طراحی را در چند بخش مرور کنیم. جمع‌آوری اطلاعات، شناسایی اهداف، جلب همکاری منابع مورد نیاز، دسترسی به اهداف، طراحی عملیات ورود، جمع‌آوری، ربایش، خارج کردن اسناد از اماکن نگهداری و در نهایت خروج آن‌ها از اسرائیل و انتقال به خاک ایران را می‌توان شمای کلی این طرح دانست. هر چه بیشتر به ابعاد این عملیات که انجام آن از سوی وزارت اطلاعات اعلام شده فکر کنیم، در هم پیچیده‌تر خواهد شد. این اسناد در چه قالبی هستند؟ پرونده‌های کاغذی، درایوهای اکسترنال، سی‌دی، دی‌وی‌دی، دیتا کارت تریج یا سرورهای غول‌پیکر ذخیره‌سازی؟ در یک مکان قرار داشتند یا در آرشیوهای مختلف نگهداری می‌شدند؟ اگر در آرشیوهای مختلف بودند، منطق حکم می‌کند که عملیات ربایش اسناد به صورت هم‌زمان اجرا شده باشد. چرا که محدودیت زمان در چنین مواردی به شدت مطرح است و در صورت لورفتن اولین عملیات، می‌توان انتظار بالا رفتن حساسیت سروس حریف و سوختن زنجیروار تیم‌های عمل‌کننده را مدنظر قرار داد. اگر تمام اسناد در یک آرشیو حفاظت‌شده فوق امنیتی نگهداری می‌شدند، پیچیدگی‌های این عملیات‌شکل دیگری به‌خود می‌گیرد. اسناد مربوط به کدام سازمان‌های اسرائیلی بودند و حفاظت آن‌ها بر عهده کدام نهاد یا نهادهای اطلاعاتی و امنیتی بوده‌است؟ بسیاری از این سوال‌ها هیچ‌وقت پاسخی پیدانمی‌کند. این طراحی ماه‌ها زمان برده است.

❖ خروج و انتقال

وزیر اطلاعات هنگام اعلام خبر انجام این عملیات بر این نکته تاکید کرد

❖ تحلیل وعده صادق در روزنامه جوان

روزنامه اصولگرای «جوان» اما از این بازداشت به عنوان وعده صادق نام برد و آن را با عنوان «وعده صادق مبارزه با فساد» تیتیر یک کرد. این روزنامه به روند انتشار خبر بازداشت

پسر و عروس صدیقی به قلم رحیم زیداعلی، دبیر گروه سیاسی پرداخت و به سادگی از کنار این موضوع مهم‌تر نشد. زیداعلی در این مطلب علاوه بر انتشار مصاحبه صدیقی، نوشت: «ناظران این اهمیت را ذیلی بر تأییدی عمومی بر ساختار ضدفساد و غیرسیستماتیک‌بوهن فساد می‌دانند. هر چند بر خی می‌گویند سیستم آن قدر باید مصون و معصوم باشد که امکان «زد و بند و تخلفات» برای کسی ایجادنشود، که بعداً بخواهد کشف و بر خود بشود یا بر خی نیز کشف نشود یا مکتوم بماند.»

❖ انقلاب خوراک آقا‌زاده‌ها نیست

روزنامه فرهیختگان هم بازداشت دو تن از خانواده صدیقی را تیتیر یک کرده و نوشت: «فرزندان نمی‌توانند انقلاب را بخورند» خبرنگار گروه سیاست این روزنامه معتقد است که «بر خورد با نزدیکان امام جمعه تهران امید به احیای سرمایه اجتماعی از مسیر عدالت‌خواهی را پررنگ می‌کند.» نویسنده نعتنبا به پرونده پسر و عروس صدیقی بلکه به موضوع بازداشت فرزندان معاون اول قضائیه در این دوره و البته دستگیری محمدرضا رحیمی و اسفندیار مشایی در دولت احمدی‌نژاد، حسین فریدون برادر روحانی و محمد جهانگیری، برادر اسحاق جهانگیری در دولت حسن روحانی نیز اشاره کرده است.

❖ رسالت؛ هیچ که هیچ

روزنامه رسالت در غیاب محسن پیرهادی، مدیرمسئول خود نعتنبا در صفحه اول به موضوع بازداشت فرزند و عروس صدیقی نپرداخت بلکه در هیچ‌یک از صفحات خود نیز به این بازداشت نپرداخته است. تیتیر یک این روزنامه به احیای سرمایه‌گذاری مردمی‌و احدهای تولیدی را کد با عنوان «توسعه‌صنعتی از مسیر مردمی‌سازی» اختصاص یافته و از خطر بیخ گوش تالاب‌ها خبر داده است.

❖ کوتاه و کم در وطن امروز

روزنامه اصولگرای وطن امروز با عنوان «تکمیل بانک اهداف» به بیانیه‌دیر خیره شورای عالی امنیت ملی در پی عملیات پیچیده اطلاعاتی سربازان گمنام امام

که شیوه‌های انتقال اسناد به اندازه خود اسناد اهمیت دارند و محفوظ باقی خواهند ماند. هر چقدر که عملیات در اختیار گرفتن اسناد دارای پیچیدگی بوده، انتقال آن‌ها از اسرائیل به ایران پیچیده‌تر است. شکل و حجم اسناد، محل یا محل‌های نگهداری آنان، اقدامات حریف پس از اطلاع یافتن و تلاش آن‌ها برای خنثی‌سازی و پس گرفتن اسناد، بخشی از این پیچیدگی‌ها هستند. زمان انجام عملیات و حجم محموله یا محموله‌ها مشخص نیست اما این اسناد با عبور از کشورهای دیگر به خاک ایران رسیده و هر سه شیوه زمینی، دریایی و هوایی برای انجام آن محتمل است. می‌توان گفت خارج کردن اسناد از اسرائیل و انتقال آن به ایران، یک عملیات مجزا یا طراحی پیچیده و جداگانه است.

❖ سطح اطلاعات

داده‌هایی که می‌توانیم بر اساس آن، این عملیات را تحلیل کنیم، اندک هستند. اما می‌توان ابعادی از آنچه در اسرائیل رخ داده و در روایت رسمی منتشر شده را با استفاده از آن‌ها روشن کرد. در بیانیه وزارت اطلاعات اشاره شده است که این اسناد مربوط به بالاترین طبقه‌بندی اطلاعات در اسرائیل هستند. اسرائیل از سه سطح برای طبقه‌بندی اطلاعات خود استفاده می‌کند که بر اساس سیستم مشابه در ایران می‌توانیم آن را به ترتیب اهمیت، در سه سطح «محرمانه»، «سری» و «به کلی سری» قرار بدهیم. اطلاعات به کلی سری، اطلاعاتی هستند که افشای غیرمجاز آن‌ها، آسیب‌های فوق‌العاده جدی به امنیت ملی وارد می‌کند. اسناد منتقل شده به ایران از این جهت اهمیت بسیار زیادی دارند. بیانیه دستگاه اطلاعاتی حاکی از آن است که اطلاعات راهبردی حریف در این انتقال به دست جمهوری اسلامی افتاده که همین گزار، اقدام مذکور را یک گام بالاتر از اقدام مشابه اسرائیل در هشت سال قبل قرار می‌دهد. در آن زمان، اسرائیلی‌ها اسنادی قدیمی از ایران را به سرقت بردند که البته کارکرده به خصوص خود را برای آن‌ها داشت. اما در حال حاضر گفته می‌شود که اطلاعات به دست آمده از حوزه حریف، باعث تکمیل و روزآمدی داده‌ها در ایران شده است. این به‌روزرسانی، توان عملیاتی جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد. می‌توانیم این عملیات را پاسخی به اقدام مشابه ۸ سال قبل اسرائیل در ایران بدانیم؛ با ابعادی پیچیده‌تر و کاربردهایی متفاوت.

❖ کاربرد داده‌ها

بیانیه‌های وزارت اطلاعات و شورایعالی امنیت ملی، تا حدودی کاربرد اطلاعات به دست آمده در این عملیات را مشخص کند. در بیانیه آمده است که این اسناد از نظر محتوا ضمن تنوع موضوعی، دارای ارزش‌های راهبردی، کاربردی، تحقیقاتی و علمی است. بخشی از اسناد مربوط به برنامه و تأسیسات هسته‌ای اسرائیل، بخشی دیگر مربوط به حوزه نظامی و موشکی، بخشی دیگر نیز مربوط به اشخاص درگیر در این پروژه‌هاست. با این توصیفات از اسناد مذکور، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اطلاعات به دست آمده، تا حد زیادی اطلاعات به روز هستند. از لحاظ امنیتی، این اطلاعات

زمان (عج) پرداخته و مدیران آن را به عنوان تیتیر یک روزنامه انتخاب کرده است. اما از بازداشت دو تن از خانواده امام جمعه تهران خبری در صفحه اول نبود. این روزنامه در صفحه ۲ خود به یک خبر بسیار کوتاه آن‌هم مصاحبه صدیقی را با عنوان «واکنش صدیقی به‌دستگیری فرزندان» در ستون راست بسنדה کرده که در بین خبرهای صفحه دو تقریباً کم‌شده است.

❖ سکوتی از جنس کره جنوبی

«صبح نو» روزنامه منتسب به جریان حامی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس هم هیچ تیتیری از این بازداشت روی جلد نیاورده است و به جای آن تنها به موضوعات بین‌المللی پرداخته و تیتیر یک خود را به بیانیه شورای عالی امنیت ملی اختصاص داده است. این روزنامه صفحات ۵، ۴، ۳ به موضوعات سیاست خارجی اختصاص داده و حتی به

تغییر رویکرد کره جنوبی برای کاهش وابستگی به آمریکا نیز اهمیت داده اما به موضوعات مهم داخلی تنها در صفحه ۲ آن‌هم با محوریت بیانیه شورای عالی امنیت ملی پرداخته و در مقابل بازداشت مهم قوه قضائیه سکوت پیشه کرده است.

❖ آزمون تمام‌عیار نظام

«عدالت بدون خط قرمز» این تیتیر یکی است که روزنامه خراسان، روزنامه نزدیک به قالیباف برای صفحه اول خود انتخاب کرده و درباره دستگیری پسر صدیقی و همسرش گزارش داده است. گزارش روزنامه خراسان که به واکنش‌ها پس از انتشار این خبر پرداخته، اینگونه شروع می‌شود: «در روزهایی که جامعه ایران تشنه نشانه‌هایی از عدالت بی‌ملاحظه و مبارزه بی‌تعارف با فساد است، خبر بازداشت دو فرزند آیت‌ا... کاظم صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران، موجی سنگین از واکنش‌های رسانه‌ای، افکار عمومی و تحلیل‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به‌دنبال داشت. ماجرا اگر چه از دل یک پرونده اقتصادی نشأت می‌گیرد، اما به‌سرعت فراتر از یک تخلف فردی یا خانوادگی رفت و به آزمون تبدیل شد برای سنجش عیار اراده نظام در مواجهه با فساد، حتی وقتی متهمان از چهره‌های نزدیک به لایه‌های سنتی و مذهبی قدرت هستند.» جالب این است که این روزنامه برعکس «صبح نو» به این موضوع کامل پرداخته است.

❖ گاز از ن مهم‌تر از بازداشت آقا‌زاده و عروس

روزنامه «عصرایرانیان» با مدیرمسئولی بیژن نوباوه وطن تیتیر یک خود را به بیانیه شورای عالی امنیت ملی اختصاص داده است. این روزنامه هم به موضوع بازداشت فرزند و عروس امام جمعه تهران نپرداخته، در حالی که در یادداشتی با عنوان بی‌تدبیری عجیب در اقدام یک کمیسون از دیر خیر خیر مجمع به موضوع یالر مو



سکوت مومنانه تندروها

بررسی واکنش روزنامه‌ها به بازداشت بستگان کاظم صدیقی

❖ همشهری یک کلمه هم ننوشت

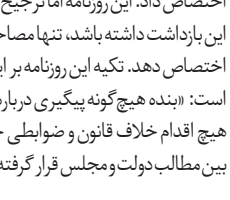
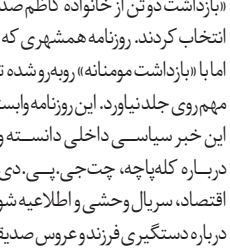
خبر دستگیری افراد نزدیک به امام جمعه تهران، روز گذشته در برخی رسانه‌ها مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت جالب آنکه روزنامه‌های اصولگرا سیاست خارجی را مقدم بر بازداشت دو تن از خانواده کاظم صدیقی« دانسته و تیتیرهای خود را بر این مبنا انتخاب کردند. روزنامه همشهری که تا پیش از این پیگیر «برخورد مومنانه بود» اما با «بازداشت مومنانه» رویبروشده تر جیح دارد روز گذشته تیتیری را از این اتفاق مهم‌روی جلد نیاورد. این روزنامه وابسته به شهرداری سیاست خارجی را مقدم‌بر این خبر سیاسی داخلی دانسته و تیتیری روی جلد نیاورد. این روزنامه حتی در‌ساره کله‌چاق، چت‌جی، پی‌دی، رای اعتماد مجلس به وزیر پیشنهادی اقتصاد، سربال وحشی و اطلاعیه شورای عالی امنیت ملی نوشت اما یک کلمه درباره دستگیری فرزند و عروس صدیقی منتشر نکرد.

❖ تنها حرف صدیقی در کیهان

روزنامه کیهان اما اولویت خود را گروسی و سیاست خارجی اختصاص داد و در گوشه راست اولین تیتیر خود را به واکنش صدیقی به بازداشت دو تن از خانواده خود اختصاص داد. این روزنامه اما تر جیح داد که در صفحه ۳ بدون آن که اشاره‌ای به این بازداشت داشته باشد، تنها مصاحبه صدیقی را با تیتیر «تابع قانون هستم.» اختصاص دهد. تکیه این روزنامه بر این بخش مصاحبه صدیقی بود که او گفته است: «بنده هیچ گونه پیگیری در باره بازداشت بستگانم نکرده‌ام و همچنین از هیچ اقدام خلاف قانون و ضوابطی حمایت نکرده و نخواهم کرد.» این مطلب بین مطالب دولت و مجلس قرار گرفته است.

❖ صفحه یک خالی از بازداشت

روزنامه جام‌جم وابسته به «صداوسیمما» دو تیتیر اصلی خود را به اسرائیل اختصاص داد؛ یکی اطلاعیه شورای عالی امنیت ملی و دیگری یورش به ماریسن. روزنامه صداوسیمما در صفحه اول خود به ایرانگردی و موضوع گروسی اشاره کرده اما سیاست‌های مهاجرتی ترامپ را شلیک به آزادی دانسته است. اما از مهم‌ترین خبر سیاسی- قضایی کشور چشم‌پوشی کرده است.



❖ عصر تحول و عدلیه‌ای ناکافی

روزنامه قدس با تیتیر «صراحتِ عدالت» بازداشت فرزند امام‌جمعه موقت تهران را عزم جدی قوه قضائیه برای مقابله با دانه‌درشت‌ها دانسته است. این روزنامه هم به مرور دستگیری دانه درشت‌ها و اقوام مقامات ارشد کشور در دوره‌های مختلف پرداخته و این اقدام را عصر تحول قوه قضائیه توصیف کرده و در پایان نوشته: «عدلیه‌ای که هست حتماً در مواردی ناکارا یا ناکافی بوده است! احتمالاً در برهه‌هایی ضعیف‌تر بوده و چون امروز، قوی‌تر اما عدلیه‌ای که باید باشد نه الزاماً سازوکاری فارغ از اشتباه و خطا، که مجموعه‌ای از فرایندهای عادلانه، مصالحانه و قاطعانه است که می‌تواند در میان مدت به پاک‌سازی نظام عزیز اسلامی از خائنان و سودجویانی بپردازد که نه آبروی پدر می‌شناسند و نه خون شهید، نه توصیه‌امامی فهمندو نه قدر اعتماد مردم می‌دانند! اینان همان کسانی هستند که زبانی جز میله‌های زندان، آوای تازیانه و صغیر اعدام نمی‌فهمند.»